

ژئوپلیتیک مناقشات قفقاز و راه حل این مناقشات با کمک فرهنگ

قفقاز از نظر ترکیب قومی، فرهنگ، زبان و مذهب منطقه‌ای است حیرت‌انگیز. قفقاز را محل تقاطع اسلام و مسیحیت و نیز سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، از جمله فرهنگ ترکیه، قفقاز، گرجستان، ارمنستان و ایران می‌نامند.

سرویس قفقاز / آران نیوز
آران نیوز/ سرویس یادداشت/ قفقاز: امروز این سؤال‌ها مطرح است که چرا در برخی مناطق فدراسیون روسیه آتش مناقشات افروخته می‌شود؟ این مناقشات به چه شکل با عقب‌افتادگی در رشد و توسعه مرتبط است؟ آیا ارتباطی بین مناقشات و سوء تفاهم‌ها وجود دارد؟ چرا بحران در مناطق با ترکیب قومی و سطح فقر در ارتباط است؟ چرا مناقشات در مناطق رشد نیافته و فقیر اتفاق می‌افتد؟ چه پیوندی بین مناقشات و فقر وجود دارد؟ و مهم‌تر از همه: چرا بعضی از نواحی بحرانی خارج از مرزهای فدراسیون روسیه در جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی قرار دارند؟

اکثر مناقشات در اوراسیا- منطقه مورد بررسی در این مقاله- در جوامعی با سطوح مختلف رفاهی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی مشاهده می‌شود. شرایط نامطلوب زندگی و اختلاف قابل ملاحظه بین قشر مرفه و فقیر، مهم‌ترین دلایل وقوع این مناقشات به شمار می‌آید. به عنوان مثال می‌توان به مناقشات مردم چچن، اوستیا، قاراچای و داغستان با اسلاوهای روسیه فدراتیو یا مناقشات مردم آبخازیا، اوستیا، ارمنستان، قره‌باغ کوهستانی و سایر ملیت‌های قفقاز جنوبی که در گرجستان، ارمنستان و آذربایجان زندگی می‌کنند اشاره کرد. به راستی همین نابرابری‌ها و اختلاف‌ها باعث به وجود آمدن مناقشات در مناطق مذکور شده است. همان‌گونه که می‌دانید، نابرابری‌ها دلیل اصلی وقوع انقلاب‌های رنگی آن سوی مرزهای روسیه فدراتیو نیز بوده‌اند. چگونه می‌توان از این ورطه عبور کرد و آیا می‌توان بدون روی آوردن به زور و فشار به این هدف رسید؟ از طرف دیگر، مناطق بحرانی بیشتر در مناطق مهم راهبردی، یا اصطلاحاً، مناطق حایل بین دو قطب درگیر قرار دارند که به عنوان مثال می‌توان به وضعی که در جمهوری چچن شاهدش بودیم اشاره کرد. برخی کارشناسان به خوبی اهمیت چچن را برای حفظ امنیت ملی روسیه درک می‌کنند. چچن در بخش مرکزی کوه‌های قفقاز واقع شده است که از اهمیت تاریخی قابل ملاحظه‌ای، به‌ویژه در عصر جنگ سرد، برخوردار هستند. یا از طرف دیگر، این ناحیه، منطقه حایل بین ناتو و کشورهای عضو پیمان ورشو بوده است. قفقاز از نظر موقعیت ژئواستراتژیکی نیز بین کشورهای واقع در قلمرو ژئواستراتژیکی قاره ای و کشورهای واقع در قلمرو ژئواستراتژیکی دریایی قرار دارند. اما جنگ سرد سال‌هاست به تاریخ پیوسته و امروزه ما در عصری جدید زندگی می‌کنیم، عصر همکاری جهانی و زندگی مسالمت‌آمیز. شرق برای روسیه از اهمیت بالایی برخوردار است. اولاً، شرق، یعنی آن بخش از روسیه که مناطق بین دشتهای شرقی کوه‌های اورال و اقیانوس آرام را شامل می‌شود و ثانیاً، کشورهای شرقی آسیا، از جمله آسیای مرکزی (که طی دو قرن متعلق به امپراتوری روسیه و جزیی از اتحاد شوروی بوده) و نیز ایران، شبه جزیره عربستان، عراق، لبنان، ترکیه، چین، هند، هندوچین، ژاپن، شبه‌جزیره کره و آسیای شرقی نیز از دیدگاه روسیه شامل مفهوم شرق می‌شوند. نگاه تاریخی روسیه به شرق این چنین شکل گرفته است که این بخش منطقه‌ای است رشد نیافته با منابع قابل دسترس مواد طبیعی ارزان که می‌تواند در تولیدات صنعتی کاربرد داشته باشد. ذهنیت مردم روسیه در خصوص شرق هم در مورد اول و هم در مورد دوم چیزی جز آن‌چه ذکر شد نیست. بیایید مردم شرق را از نقطه نظر دوم مردم روسیه بررسی کنیم. در آسیای مرکزی مناقشه آتی در چهارچوب مبارزه ژئوپلیتیک بین حاکمیت و فقر و نیز قشر فقیر و مرفه به وجود می‌آید. اما محافل حاکم قدرت را در دست دارند و هیچ تمایلی ندارند که آن را با کسی، مخصوصاً مردم تقسیم کنند. این منطقه در جنوب روسیه فدراتیو واقع شده است. اما از طرف دیگر، اقتصاد مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. از بین تمامی عوامی نامبرده، عامل ژئوپلیتیک یا اگر دقیق‌تر بگوییم، عامل طبیعی، یعنی وجود منابع آبی و ذخایر نفت از بیشترین اهمیت برخوردار است و این همان چیزی است که می‌تواند حیات مردم و نیز فعالیت دولت‌ها و کشورها را تغییر دهد. بزرگ‌ترین مشکل ما جست‌وجوی روش‌های ژئوپلیتیک برای حل مشکلات و مناقشات و نیز ایجاد شرایط مطلوب برای زندگی مردم، بهبود وضع رفاهی جامعه به شمار می‌آید. وظیفه مؤسسات غیردولتی و نیز هر انسان آگاه کمک به دیگران، جامعه، دولت و سایر مؤسسات برای ایجاد جامعه قانون‌محور و نیز حل مشکلات آنان از طریق گفت‌وگو و مذاکره و جلوگیری از شکل‌گیری مناقشات جدید است. ارزش‌های فرهنگی، دستاوردهای تمدن و وجوه اشتراک انسان‌ها همان چیزی است که بایستی به عنوان ابزاری برای نیل به این اهداف مورد استفاده قرار گیرد. ولی ما همیشه برای حل مشکلات فرهنگی به زور روی می‌آوریم. اما عملاً هر مناقشه، همان‌گونه که در بالا ذکر شد، به دلیل مشکلات کوچک‌تر که در اصل می‌بایست به روش‌های صلح‌آمیز حل و فصل شود، به وجود می‌آید.

می‌گویند انسان‌ها با هر آنچه درک نمی‌کنند رابطه‌ای خصم‌آمیز دارند. ما باید به انسان‌ها درک کردن و زندگی کردن را بیاموزیم. من در این‌جا می‌خواهم برایتان از نقش فرهنگ در حل مناقشات در تاریخ قفقاز جنوبی، همسایه شما در جنوب روسیه فدراتیو سخن بگویم. تاریخ این منطقه می‌تواند درس عبرت و تلنگری برای تفکر در زمینه حل مناقشات در جهان امروز به روش‌های فرهنگی برای سیاستمداران و دولتمردان به شمار آید.***

قفقاز از نظر ترکیب قومی، فرهنگ، زبان و مذهب منطقه‌ای است حیرت‌انگیز. قفقاز را محل تقاطع اسلام و مسیحیت و نیز سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، از جمله فرهنگ ترکیه، قفقاز، گرجستان، ارمنستان و ایران می‌نامند. مردم این منطقه به زبان‌هایی از سه گروه مختلف، یعنی ایبری- قفقازی، هند- اروپایی و ترک- آلتاییک، صحبت می‌کنند. این انسان‌ها در طول تمام تاریخ در کنار هم زندگی می‌کرده‌اند و سرنوشتی مشترک داشته‌اند. بسیاری از تاریخدانان، جغرافی‌دانان و جهانگردان می‌توانند بر اشتراک این گروه‌های مختلف قومی صحنه بگذارند. استرابون 2000 سال پیش از این منطقه را به شکل مجموعه‌ای از ملیت‌ها و قوم‌های مختلف توصیف می‌کرد. مسعودی، تاریخدان مسلمان نیز که 1000 سال بعد از استرابون زندگی می‌کرد، در سال 328 هجری در کتاب خود با عنوان «مروج الذهب» که در قرن سوم نگاشته شده است می‌گوید که تعداد گروه‌های قومی در قفقاز آنقدر زیاد است که مردم گاه زبان روستای مجاور را نیز نمی‌دانند. علاوه بر اختلاف‌های زبانی، در قفقاز شاهد اختلاف‌های دینی نیز هستیم، زیرا در این منطقه نمایندگان اسلام، مسیحیت و یهودیت مشاهده می‌شوند. ارمنی‌ها و گرجی‌ها (که ساکنان بومی این منطقه به شمار می‌آیند)، روس‌ها، اوکراینی‌ها و بلاروس‌ها (که در نتیجه مهاجرت در این منطقه سکنی گزیده‌اند)، همه مسیحی هستند. در این منطقه (آذربایجان و گرجستان) همچنین تعداد اندکی پیروان دین یهودیت نیز به چشم می‌خورد. باقی مانده، یعنی 52 درصد جمعیت، از جمله داغستانی‌ها، چرکسی‌ها، چچنی‌ها، اینوگشی‌ها، قاراچای‌ها و بالکارها و آوارها مسلمان هستند. این اقوام متعلق به گروه زبان‌های ترکی- آلتایی و ایبری- قفقازی هستند و با ترک‌های ساکن ترکیه و آذربایجان ایرانی پیوندی تنگاتنگ دارند.

قفقاز درست به دلیل چنین تاریخ و موقعیت جغرافیایی بایستی به عنوان نمونه بارز گفت‌وگوی تمدن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. چرا؟ به چه شکل؟ سامونول هانتینگتون در تئوری «مقابله تمدن‌ها» در خصوص قفقاز نوشته است که قفقاز محل تقاطع اسلام و مسیحیت است. وی در تأیید تئوری خود همچنین به تشریح مناقشه ارمنی‌های قره‌باغ و آذری‌های قره‌باغ کوهستانی می‌پردازد. وی می‌گوید که سه کشور در این جنگ دخیل هستند: گروه اول کشورهای هستند که مستقیماً در مناقشه نقش دارند (ارمنی‌های قره‌باغیها و آذری‌ها)، گروه دوم کشورهای هستند که با یکی از طرفین مناقشه رابطه مستقیم دارند (آذربایجان و ارمنستان) و گروه سوم را کشورهای تشکیل می‌دهند که دور از کشورهای درگیر مناقشه قرار دارند اما مراداتی با یکی از طرفین دارند مثل روسیه، ایران و ترکیه که کشورهای ذینفع در منطقه به شمار می‌آیند. این در حالی است که هانتینگتون از درگیری‌های مسیحیان مثل مناقشات آبخاری‌ها و اوستیایی‌ها با گرجی‌ها سخنی به میان نمی‌آورد.

ملل قفقاز در طول تاریخ خود به داشتن زندگی مسالمت‌آمیز خو گرفته‌اند. هیچ سندی که درگیری این اقوام را گواهی دهد در تاریخ منطقه وجود ندارد. اختلاف‌های اقلیمی، موقعیت جغرافیایی، فرهنگ، زبان و مذهب، همه و همه باعث ایجاد يك فضای كوچك بین‌المللی شده اند که تا به امروز نیز محفوظ مانده است. مردم قفقاز از زمان‌های باستانی تا امروز در کنار هم با صلح و صفا زندگی می‌کنند و علاوه بر این با نمایندگان سایر ملیت‌ها و ادیان ازدواج می‌کنند. اگر بین این اقوام اختلاف نظرهایی هم وجود داشته، همه مربوط به زمینه‌های اقتصادی می‌شده است. اما در مقابل با تجاوزگران خارجی با هم متحد می‌شدند، در شرایط سخت به یکدیگر کمک می‌کردند و با تجاوزگران خارجی و زورگویان می‌جنگیدند. تاریخ دوهزارساله قفقاز می‌تواند گواه این مدعا باشد. قفقاز به دلیل موقعیت راهبردی خود همواره صحنه عملیات نظامی در مبارزه با تجاوزگران جهانی از غرب و شرق و جنوب و شمال بوده است. رومی‌ها، فارس‌ها، اعراب، مغول‌ها و ترک‌ها، همه در قفقاز حضور داشته‌اند و بر ساکنین این منطقه تأثیر گذاشته‌اند.

داوید چهارم، شاه گرجستان در سال 1211 بعد از میلاد مسیح با امیر مسلمانان مبارزه کرد و قدرت را از وی گرفت. مسلمانان از انتقام‌گیری شاه می‌هراسیدند اما وی نه فقط به آن‌ها بدی نکرد، بلکه احترام بسیاری به آن‌ها می‌نهاد، در نماز جمعه آنان شرکت می‌کرد و سکه‌های طلا برای اهداف دینی نیز هدیه می‌کرد.

در آن زمان هم صدای ناقوس کلیساها شنیده می‌شد، هم بانگ اذان مسلمانان که از گل‌دسته‌ها و مساجد بلند می‌شد. کنیسه‌ها در کنار کلیساها و مساجد قد علم می‌کرد. امروزه نیز در تفلیس این پدیده منحصر به فرد پیوند سه دین جهانی در يك کشور به چشم می‌خورد. مردم قفقاز به دلیل همزیستی ادیان، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، روابط دوستانه‌ای با یکدیگر دارند و از نظر بردباری دینی نیز مثال‌زدنی هستند. در شهرها و روستاهای قفقاز گروه‌های مختلف قومی و نیز پیروان ادیان مختلف زندگی می‌کنند و همه این عوامل باعث ایجاد جامعه‌ای چندملیتی و چندفرهنگی شده است. مثلاً در ایروان، مرکز ارمنستان، مسجدی به نام «مسجد کبود» هر روز برای پذیرش مسلمانان باز است و مردم می‌توانند برای عبادت به این مسجد بروند. طبق سنت موجود در بین مسلمانان تفلیس، بسیاری از فیلسوفان، دانشمندان و متکلمان نامی مسلمان در نام‌شان پسوند «التفلیسی» داشته‌اند. به دلیل رایج بودن فرهنگ بردباری دینی در قفقاز، بسیاری از دانشمندان و فیلسوفان به تفلیس می‌آمدند و در این شهر به زندگی و کار می‌پرداختند.

در «تاریخ شهر قم» گفته شده است که امام صادق، اما ششم شیعیان فرموده است: «خداوند جل جلاله قم، کوفه و تفلیس را به عنوان بهترین شهرهای اسلامی جهان برگزیده است».

بسیاری از فیلسوفان، دانشمندان و روشنفکران قفقاز که نسبت به این پیوند متقابل فرهنگی و اجتماعی علاقه نشان می‌دادند، آثار خود را در این خطه خلق کرده‌اند. نظامی گنجوی در شاهکار خود با نام «خمسه نظامی» ایده گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و ملل را تأیید می‌کند. در داستان‌های شیرین و فرهاد، بهرام گور و غیره به راحتی می‌توان نمونه‌هایی از گفت‌وگوی ملل، فرهنگ‌ها و ادیان را مشاهده کرد. قهرمانان آثار شوتا روستاولی «پلنگینه پوش» که در همان سده نگاشته شده، نمایندگان ملیت‌های مختلف مثل عرب‌ها، فارس‌ها، هندی‌ها و قفقازی‌ها هستند. ادر خاقانی شیروانی، شاعر بزرگ ایرانی که در سده 12 می‌زیسته یک ارمنی مسیحی بوده و خود او مسلمان بوده است.

در قفقاز نام‌های جغرافیایی بسیاری مشاهده می‌شود که با شاهنامه فرودسی پیوند دارند. در شاهنامه از کوه‌های قفقاز با نام «قاف» یاد می‌شود که به عقیده ج. مارکوارت اصلیت واژه در کلمه فارسی «کپ کوه» (کوه بزرگ) ریشه دارد. این نمونه‌ها گواه از آن دارد که پدیده پیوند فرهنگی وجود دارد و مردم نیز در جامعه از اصول بردباری دینی پیروی می‌کنند. قفقاز سرزمین مردان و زنان دلیری است که با روزگوییان می‌جنگند و روابطی مطلوب با یکدیگر دارند. کوراوغلو، قهرمان ملی، در سده 16 با سلطان و پاشا به مبارزه برخاست و ارتشی از نمایندگان ملیت‌ها و اقوام مختلف، مثل آذری‌ها، گرجی‌ها، ارمنی‌ها، کردها و غیره تشکیل داد.

در داستان عاشقانه اصلی و کرم نیز جوان آذربایجانی به نام کرم عاشق دختر ارمنی به نام اصلی بود و این داستان نشان می‌دهد که روابط بین نمایندگان ملیت‌ها و ادیان مختلف بسیار دوستانه بوده است.

در داستان «قاچاق نبی»، قهرمان اصلی فردی آذری است که با نظام فنودالی و زورگویانه زمان خود به ستیز برمی‌خیزد و از حقوق دهقانان دفاع می‌کند. ارتش او نیز از نمایندگان ملیت‌های مختلف قفقاز تشکیل شده است. «سایات نو»، عاشق ارمنی، به سال 1712 در تغلیس متولد شد. او به سه زبان ارمنی، آذری و گرجی، که از نظر ساختار و دستور هیچ شباهتی به هم ندارند، می‌نوشت و آواز می‌خواند.

وی در اشعارش از بیدادگری‌های دولتمردان و زورگویی آنان بر مردم منطقه شعر می‌سرود. او مبلغ عشق و صلح در میان اهالی قفقاز بود و امروزه مردم ارمنستان، آذربایجان و گرجستان سایات نوا را قهرمان ملی خود می‌دانند. مردم قفقاز امروزه به سایات نوای جدید نیاز دارند که بتواند ملیتی جدید بدون دشمنی و تنش بسازد، صلح را به زندگی مردم بازگرداند و اصالت تاریخی و میراث باارزش فرهنگی و اجتماعی این مردم را به آنان یادآوری کند. مردم کوه‌نشین قفقاز شمالی همواره خواستار حفظ فرهنگ خود بوده‌اند و بعضی از آنها، مثلاً چینی‌ها، می‌خواهند آن سبک زندگی که به آن خو گرفته‌اند مورد تأیید قرار گیرد. اما در این رابطه چند مشکل وجود دارد. دولت روسیه نمی‌تواند و نمی‌خواهد قبول کند که می‌تواند نگرشی غیر از نگرش آنها در دنیا وجود داشته باشد. فرهنگ غرب و شرق بسیار متفاوت است. اختلاف بین فرهنگ اسلامی و مسیحیت نیز بسیار فاحش است. روسیه کشور بزرگی است و در سال‌های اخیر دولت روسیه به این درک رسیده است که منافع افرادی که به دین اسلام اعتقاد دارند نیز باید در نظر گرفته شود. روسیه در این راستا حتی به عنوان عضو ناظر به سازمان کنفرانس اسلامی پیوسته است. در نتیجه روسیه به این درک رسیده است که درون مرزهایش بیش از 20 میلیون مسلمان زندگی می‌کند و نمی‌توان آنان را نادیده گرفت. بدین ترتیب نگاهی جدید بر شرق و به‌ویژه شرق مسلمان شکل گرفته است.

نتیجه‌گیری: همان‌گونه که در بالا تشریح شد، عواملی مثل تاریخ، فرهنگ، تمدن و وطن مشترک، ساکنین قفقاز را به یکدیگر شدیداً پیوند داده است. هر چیزی را هم نمی‌توان با زور تغییر داد. در ایران بسیاری از افراد با غرب در ارتباطند و روسیه را کشوری غربی می‌دانند. در عین حال کسانی هم هستند که نمی‌خواهند هیچ وجه اشتراکی با روسیه داشته باشند. آنها معمولاً کسانی هستند که نگاه خود را به گذشته، زمانی که بخشهایی در شمال شرقی و شمال غربی ایران توسط روس‌ها تسخیر شده معطوف کرده‌اند. بعضی دیگر معتقدند که کشور و مردم روسیه غیر قابل اعتمادند که دلیل اصلی آن، روابط دوستانه روسیه و مصر در سال‌های 1960 است. روابط روسیه و عراق در جنگ خلیج فارس و تسخیر عراق در سال 2003 توسط امریکا معمولاً مزید بر علت می‌شود. آنها معتقدند که روسیه را نمی‌توان کشوری مطمئن و شریکی وفادار دانست. اما ما بر این باوریم که هر کشور پیش از هر چیز باید در راستای منافع ملی خود عمل کند. داشتن دوستان و دشمنان دایمی در صحنه بین‌الملل غیرممکن است، در حالی که منافع ملت‌ها هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند.

با فرارسیدن عصر جدید و عوض شدن موقعیت روسیه در عرصه بین‌المللی، ذهنیت روسیه نسبت به شرق نیز باید تغییر کند. عصر جدید متعلق به شرق است. روسیه نیز کشور بزرگ شرق و غرب است و تأثیرش در عرصه بین‌المللی روز به روز بیشتر می‌شود. بدین ترتیب شرق نقش مهمی در آینده روسیه ایفا خواهد کرد.